

به کجا بریم شکایت!؟



پیوسته به گذشته قسمت یکصد و دوازدهم

میگویند شخصی را مأمور کرده بودند گرگ درنده ای را که به اهالی روستا حمله میکردند شکار کنند و او هرچه شلیک میکرد به گرگ نه میخورد و فقط مقداری از پشم چرک آلوداش به زمین میریخت ، یکی از روستایان با تعجب پرسیدند : آقای محترم ! بالاخره ما نه فهمیدیم در تفنگ ات گلوله گذاشته ای یا صابون ؟

جان کری John Forbes Kerry وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و طراح اصلی خشونت در افغانستان مهمان کشور تازه به دموکراسی رسیده میانماریا همان برمه سابق در جنوب شرق آسیا موقیعت دارد در انتظار خبر مهی از دفترش در واشنگتن بود که ناگهان گوشی تلفن اش به صدا درآمد و آنسوی خط که از پنتاگون بود برایش اطمینان داد و به جزئیات تمام از مأموریت لازمی که برای انهدام هدف مطلوب در ایالت بلوچستان واقع در قلمرو پاکستان قبلاً تثبیت گردیده بود وزیر جان کری John Forbes Kerry را مطلع ساخت . جان کری John Forbes Kerry نیز پس از ختم جلسه با خانم سو چی رهبر حزب حاکم لیگ ملی برای دموکراسی وارد سالون بزرگی شد و با خوشی و سرور اعلام داشت که :

<https://www.youtube.com/watch?v=cQPhNwM7Km4>

هنوز سخنان جان کری John Forbes Kerry تمام نه شده بود که آقای عبدالله عبدالله رئیس اجرایی دولت وحدت ملی یا همان تحفه مبارکه ء جان کری که در غیاب محمد اشرف غنی رئیس حکومت وحدت ملی سرپرستی امور را برعهده داشت به اثر تماس یک مقام دیپلماتیک در سفارت ایالات متحده امریکا از کشتن ملا اختر محمد منصور آگاهی یافت نخواست این خبر را با دیگر آراکین حکومت شریک نسازد بلا درنگ اعضای کابینه حکومت وحدت ملی را که معمولاً بروزهای دوشنبه در قصر سپیدار تدویر می یابند بصورت فوق العاده یکروز قبل دائر ساخت و در محضر اعضای بلندپایه اعلام داشت که منابع امنیتی و سیاسی حکومت افغانستان مرگ ملا اختر محمد منصور را که با فیر یک هواپیمایی بدون سرنشین همراه با یکتن دیگر در منطقه بلوچستان کشته شده است .

<https://www.youtube.com/watch?v=1hTK-H3y0MA>

جان مطلب اینجاست که از یکسو اعلام میدارند که آقای ملا اختر محمد منصور رهبرمقتدر طالبان یعنی کسی که لزوماً باید از هر نوع امنیت فزیک و روحی اطمینان داشته باشد از موتر کرائی که در راه تفتان – کونته مشغول گشت و گذار بوده استفاده می کرد . چنانچه قبلاً ملاحظه فرمودید که شخص موسوم به ولی محمد ساکن قلعه عبدالله که بنام ملا اختر منصور مورد حمله طیاره های بدون سرنشین

واقع گردید دارای گذرنامه پاکستانی بوده و از سوی دیگر وی را یکی از بزرگترین رهبران مافیا در سطح منطقه محسوب میکنند که گویا وی با پروژه صلح و منافع ایالات متحده امریکا مخالفت میکرد .

جنایتی بنام صلح !

البته این نوع سناریوهای که شبکه های استخباراتی جهان بویژه شبکه های نظامی و امنیتی پاکستان آنرا به کار میبرند به قدری تکرار شده و به اندازه ای قدیمی و کهنه اند که هیچگاه با میتود های امنیتی شبکه های استخباراتی عصر حاضر مطابقت ندارند . به هر صورت این گونه بازی های "سیا" بسیار داشتیم و در حافظه تاریخ کشور ما حک شده که بخاطر هدر رفتن آخرین فرصت ها برای پایان آواز گلوله ها در گلون ما بند مانده است . اما اکنون و با آغاز کودکانه بازی قدرت و تحقق صلح با باج دهی برای مخالفان مسلح و آدم کشان معلوم گردید و واضح شد که با دریغ و درد از کالبد مظلومانه معادله قدرت به مثابه یک امانت بزرگ ملی در حوزه سیاسی از دیر بدینسو بوی خون می آید . و احساس ذائقه و حس شامه اکثر روشنفکران و درس خوانده های کشور و جامعه ما نیز در برابر بوی که از لکه های خون لخته شده در رگهای از سرنوشت ملی ما برمی خیزد دیگر از واکنش باز مانده است .

<https://www.youtube.com/watch?v=Qp4ySXmsFZA>

در عین حال وی را سوار بر یک موتوری که با اعلام نخستین واکنش مقامات پاکستانی موتر کرائی بوده که از شهرک سرحدی تفتان برای سفر به کوئته به اجاره گرفته شده بود .

<https://www.youtube.com/watch?v=Mdlnm-7hfcI>

سخت شگفت انگیز است که مردی با این سوابق با چنین سادگی و بدون محافظ یا محافظان از موتر تاکسی و اجاره ای استفاده کند و مورد حمله دقیق طیاره های بدون سرنشین قرار گیرد ؟



درست است که ما در جامعه ای و در عصری به سرمیبریم که همه چراغ ها و آنتن های ذهن ما یا در تنوری از زمانه خراشیده شده و یاهم نه می خواهیم بدانیم و بفهمیم که آخردر کدامین فرهنگ و کدامین مقطعی از تاریخ دیده آید و دیده ایم که برای قاتلان و آدم کشان سر گردنه به یمن قتل ها و جنایات فروانی که انجام می دهند و حتی نه تنها آنرا یک عمل ساده و معمول زندگی نه می شمارند بلکه قتل بی گناهان را عین عبادت میدانند . من اکیداً بر این باور هستم که اگر صلح بحیث یک پروژه و نه یک ضرورت تاریخی و عینی حیات مردم نگر بسته شود و در شرائطی که با گذشت نزدیک به پانزده سال از زندگی اعتیاد بر مصرف و تجمل ملت ما سپری میشود و روزوروزگاری مردانی را قهرمانان معرکه امید و نگهبانان حیثیت و ناموس ملت بنامیم و با گذشت چند صباحی آنها را مستحق مرگ و زندان بدانیم ما ملتی و مردمی محسوب خواهیم شد که ما ساده اندیشان در هر دوحوزه شناخت یعنی قهرمانی در معرکه زندگی و افتخارات از یکسو از سوی دیگر شناخت معیوب و ناقص از

جنایتکاران و قاتلان مردم قلمداد خواهیم شد زیرا سخت مسخره و شگفت انگیز است که ما بدون وجود معیارهای وجدانی و اخلاقی جوهر صلح را با پارامترهای خون و جنایت اندازه گیری کنیم یعنی هرآنکه زیاد تر و با شیوه های دردناکتر شغل شریف جنایت و آدم کشی را در تاریخ معاصر ما بر جامانده است ، برویت قرارداد هاو موافقتنامه های جداگانه بنام صلح و دست کیشدن از جنگ ، مستحق امتیازات مادی و همچنان « **من وسلوای !!** » فروانی شناخته میشوند . دلیل بزرگ تن دادن به چنین معاملات ننگین و ذلت بار فقدان عدالت عمومی در جامعه است که هیچ شهروند جامعه و کشور نه میتوانند خویش را در آئینه نظام حاکم بر سرنوشت مردم بنگرند ، البته نه میخواهم اکنون که بر برزخ ناامیدی و بی عدالتی قرار داریم و سرنوشت جامعه مظلوم افغانستان از دیر بدینسو با قاشق ها و چنگالهای بیگانه اندازه گیری میشود وعنان سرنوشت کشور در بازار مکاره سیاسی از سوی فرزندان این سرزمین به نام های به ظاهر بسیار فریبنده ای چون **جهاد** و **دموکراسی** – **تمدن** و **فرهنگ** و ده ها اسم و نشانی ی دیگری به قمار مانده شده وظیفه داریم تا در راه روشنگری گسترده توام با افشاگری نرم نسل ما را بسوی آزادی واستقلال واقعی رهنمائی کنیم .

